

یادداشت شفاهی

جای خالی نقد



احمد طالبی‌نژاد

■ به نظر من دشوارترین حرفه در کار سینما منتقد بودن است، زیرا به مرور زمان تصویر هولناکی از منتقد در ذهنان ساخته می‌شود که به تعبیر قدما یا عوام‌اناس با یک کمان حلاجی به دنبال پنبه زدن دیگران است. اگرچه در ظاهر ممکن است عدای شآن و اعتباری برای منتقدان قابل باشند اما اغلب مردم نگاه منفی به این حرفه دارند. من تا به حال ندیده‌ام که کسی عاشق یک منتقد باشد! مگر اینکه منتقدی باشد مثل «پرویز دلوایی» که از ایران رفته باشد! اگر دلوایی هم در ایران بود همین وضعیتی را داشت که ما الان با آن روبرو هستیم. البته این نگاه منفی هم درجانی دارد و منتقدان خیلی بدنامی هم هستند که من اسم نمی‌رم اما همه می‌شناسند! واقعیت امر این است که منتقد بودن حرفه بسیار دشواری است، زیرا این منتقد بودن خود به خود تبدیل به اخلاقی در زندگی شخصی می‌شود. من خودم این مشکل را دارم که فکر می‌کنم در زندگی روزمره همه چیز باید سر جایش باشد و چون هیچی سر جایش نیست؛ آدم به مرور عصبی و تندخو می‌شود. مهم‌ترین مساله این حرفه هم این است که از راه نقد و نقدنویسی کسی نمی‌تواند درآمدی کسب کند که کفاف زندگی معمولی را بدهد چه برسد به زندگی مرفه! جز برخی جوانان تازه از راه رسیده که به جای منتقد، روابط عمومی فیلم‌ها هستند بقیه منتقدان از لحاظ مالی در گریز دارند.

مصایب منتقد ایرانی

در دنیا منتقدانی هستند که اسم و امضایشان آنقدر اعتبار دارد که مردم رایشان شآن اجتماعی و فرهنگی خاصی قابل‌اند. کسانی مثل «پالین کیل» و «جان‌اتان روزنسم» اعتبار خوبی دارند. اسما ما در ایران مصایب بیشتری داریم زیرا متأسفانه در کشور ما مقوله نقد به عرصه‌ای برای باج‌خواهی تبدیل شده است. روابط بین منتقدان و سینماگران روابط خوبی نیست و به عبارتی از اساس مخدوش است. فیلمسازان و سینماگران کلا تصورشان این است که منتقد باید ستایشگر آنها باشد و چون بعضی از منتقدان نمی‌توانند ستایشگر مطلق باشند، همیشه این جدال بین منتقد و فیلمساز وجود دارد. من نزدیک به ۳۰ سال است که در این حرفه کار می‌کنم و به این نتیجه‌رسیده‌ام که برخی از فیلمسازها فکر می‌کنند ما باید مدیر روابط عمومی آنها یا حتی وکیل مدافع باشیم. در حالی که منتقد واقعی کسی است که جدا از روابط، به خود اثر می‌پردازد. من با تئدروی‌هایی که برخی از آقایان به اسم منتقد می‌کنند اصلا موافق نیستیم. افرادی با جملات کلیشه‌ای چون «این سینما نیست» اصلا منتقد نیستند، بلکه سیاستمدارانی هستند که چون در سیاست راهی پیدا نکردند حالا وارد عرصه نقد و سینما شدند و دارند حساب‌کشی می‌کنند. منتقدانی که سینما را به‌عنوان یک مقوله فرهنگی و هنری می‌بینند زندگی دشواری دارند زیرا توقع از این افراد زیاد است و دست‌شان خالی است.

چالش‌های نقد در ایران

جامعه ما جامعه نقدپذیری نیست؛ نه در عرصه سیاست و نه در عرصه فرهنگ و اقتصاد. به محض اینکه کسی بخواهد انتقادی کند یا مخالفت شدیدی روبرو می‌شود. ظرفیت‌مان کم است و به محض شنیدن انتقاد به هم می‌ریزیم. در حالی که در جوامع پیشرفته اوضاع به شکل دیگری است. قابلیت انتقاد از همه وجود دارد و قانون راه پاسخ به آن را مشخص کرده. نپذیرفتن انتقاد مشکل جامعه ماست و منحصر به سینما نیست.

ویژگی‌ها و استانداردهای یک برنامه

من برنامه هفت را ندیدم و دلیل اصلی آن عوامل این برنامه و مشکوک بودن آن است. اما باید بگویم که تعطیل شدن این برنامه هم اصلا خوشحال نشدم. به هر حال این برنامه با تمام ضعف‌هایش جایی بود که راجع به سینما بحث می‌شد. بنابراین بدون اینکه مدافع این برنامه باشم از تعطیل شدنش هم راضی نیستم. این برنامه می‌توانست با کیفیت و نگاه دیگری تبدیل به محفلی برای گسترش فرهنگ سینما در جامعه شود و مردم ویژگی‌های یک فیلم خوب و بد را توسط این برنامه درک کنند. این برنامه این درک را به مخاطبان نمی‌داد. منتقدان این برنامه به فیلم‌های خوب می‌ناخت و در مقابل فیلم‌های سطحی و حتی مبتذل، کرشن هم می‌کرد. اگر همین برنامه تبدیل به برنامه‌ای می‌شد که کسی خارج از سیاست و نگاه رسمی مدیریت آن را برعهده می‌گرفت می‌توانست وسیله‌ای برای ارتقای سلیقه مردم باشد. اگر برنامه نقد و فیلم به شکل درست آن در کشور وجود داشته باشد که سرلای‌های ایرانی یا حتی سرلای‌ها و فیلم‌های شبکه‌های ماهواره‌ای که این روزها با استقبال زیاد عامه مردم روبرو است را نقد کند و از لحاظ ساخت و پرداخت و سطحی‌نگری مسایل فرهنگی فیلمسازان فرهنگی این فیلم‌ها را بررسی کنند آن‌وقت می‌توان کارکرد نقد در جامعه را مشاهده کرد. کار منتقد این است که سلیقه مخاطب را رشد دهد. برنامه هفت تا جایی که شنیدم مخاطب را سر درگم می‌کرد. مثلا مخاطبی می‌شنود که فیلمی جوایز بسیاری دریافت کرده و حتی اسکار گرفته ولی منتقد برنامه می‌گوید فیلم مزخرفی است. در حالی که منتقد خوب می‌تواند جلوی جریان فیلم‌های سطحی در جامعه را بگیرد و به رشد و بالندگی سینما و سلیقه مردم کمک کند. اگر سینمای ما رشد کند فرهنگ مردم هم رشد می‌کند. نمی‌دانم برنامه هفت ادامه دارد یا خیر اما جای یک برنامه بی‌طرفانه که اگر دفاعی است، می‌کند از زبان سینما و هنر سینما باشد خالی است. می‌دانم که این برنامه بی‌طرف نبوده و جهت داده می‌شود که چه چیز مضر است.

برنامه هفت با مجری‌گیری و تهیه‌کنندگی فریدون جیرانی با همه حاشیه‌هایی که در هفته گذشته برایش رخ داد با اعلام رسمی پایان گرفت و محمود گبرلو به عنوان مجری با وعده تحولات بسیار، کار خود را به‌زودی آغاز می‌کند.

جیرانی در آخرین برنامه که ظاهرا برنامه راحتی هم برایش نبوده، خداحافظی کرد. هرچند در این مدت انجمن منتقدان سینمایی و ۳۲ نفر از سینماگران برای ادامه این برنامه نامهای به عزت‌الله ضرغامی نوشتند اما



فرزانه ابراهیم‌زاده

ظاهرا اردیبهشت و برنامه هفت با هم قرابت زیادی دارند و قرار است همان طوری که این برنامه قرار بود جانشین سینمایی ۹۰ باشد، در یک روز اردیبهشتی سر از لایه‌لای برنامه‌های گفت‌وگومحور شبکه سوم سیما در می‌آورد و با هیاهوی زیاد در یک روز اردیبهشتی سخن از تغییر ۱۸۰ درجه می‌کند. این روزها برعکس دوسال پیش این خود برنامه هفت است که بر سر زبان‌ها افتاده و برنامه‌ای که در اتفاقات مهم سینمای کشور مانند جایزه‌های بزرگ «جدایی نادر از سیمین» و تعطیلی «خانه سینما» به همراهی هم‌صنفان خود نرفت، برای بقا یا فای‌خود در انتظار تصمیمی است که مدیران سیما تحت فشار رسانه‌های اصولگرا خواستار تعطیلی این برنامه شده‌اند؛ فشارهایی که برای رسانه ملی تاریکی ندارد و پیش از این در مورد برنامه‌های دیگری از جمله برنامه ۹۰ هم رخ داده و این برنامه را تا مرز تعطیلی پیش برده است. این بار ظاهرا تلویزیون قرار نیست که پش‌تر شود و هنوز هم یکی از مشکلاتی است که این برنامه دارد و بارها شده که جیرانی روی آنتن توضیح دهد که رویکردش در این برنامه با سایر برنامه‌ها متفاوت است و دوست ندارد دنبال بحث‌های جنجالی برود. پرهیز از جنجال اما همیشگی نبود، اما با آغاز سال دوم ساخت برنامه هفت مشکلات اصلی این برنامه به‌خصوص در مواجهه با هنرمندان و البته مدیریت دولتی سینما آزار داد. **از نقد صریح تا تخریب چهره‌های شناخته‌شده سینما**

داستان شکل‌گیری برنامه هفت در تلویزیون به موفقیت زیاد برنامه ۹۰ به تهیه‌کنندگی و اجرای «عادل فردوسی‌پور» بازمی‌گردد. فردوسی‌پور در ۹ ساله که برنامه ۹۰ را روانه آنتن تلویزیون کرد، نمونه موفق‌ی از برنامه‌های گفت‌وگومحور انتقادی ارایه داد؛ انتقادی که از مدیران ورزشی تا مافیایی فوتبال را دربر می‌گرفت و البته تماشاجان بسیاری را به خود جلب کرده بود و می‌توان به جرأت گفت یکی از سه برنامه بر مخاطب تلویزیون در میان بینندگان بود. برنامه هفت نخستین برنامه گفت‌وگومحور سیاستمدارانی هستند که چون در سیاست راهی پیدا نکردند حالا وارد عرصه نقد و سینما شدند و دارند حساب‌کشی می‌کنند. منتقدانی که سینما را به‌عنوان یک مقوله فرهنگی و هنری می‌بینند زندگی دشواری دارند زیرا توقع از این افراد زیاد است و دست‌شان خالی است.
سازمان‌های رسمی و غیررسمی مجبور به ترک این برنامه شدند و در نهایت دو قدم مانده به صبح با مجری‌گری «محمد صالح‌علا» تبدیل به برنامه‌ای خنثی شد که سبک خاص گفتاری مجری آن تنها وجه جاذبکننده آن از مسایل برنامه‌ها نبود و این برنامه تقریباً فراموش‌شد. اما هفت از آفتاب‌نشدن آنتن شبکه سوم سیما برخوردار بود که به دلیل پرداختن به ورزش به‌خصوص فوتبال از شانس جذب مخاطبان بیشتری برخوردار بود. در نهایت هفت در اردیبهشت ۸۹ متولد شد و فریدون جیرانی مجری و تهیه‌کننده برنامه «مسعود فراس‌تی» منتقد ثابت آن شد. جیرانی مجری برخلاف جیرانی روزنامه‌نگار و فیلمساز در اجرایش محافظه‌کار بود و بر عکس فراس‌تی در نقدهایش – به‌ویژه فیلمسازان مستقلی که او از آنها خوش‌اش نمی‌آمد یا با نظر او مخالف بودند صریح و بی‌پروا عمل می‌کرد و جدا از شرایطی که برای دیده شدن پیدا کرده بود، بخش نقد هفت را به محلی برای نواختن بسیاری از فیلمسازانی که در این سال‌ها با آنها مشکل پیدا کرده بود، تبدیل کرد. اولین دلخوری‌ها از «هفت» به رویکرد این دو چهره ثابت برنامه بازمی‌گشت. اهالی سینما از محافظه‌کاری جیرانی دل‌خوشی نداشتند و در مقابل نوع ادبیات تند فراس‌تی در نقد فیلم‌ها را هم نمی‌پسندیدند. «هفت» در شرایطی روی آنتن رفته بود که سینمای ایران به دلیل عملکرد خاص مسوولان رسانه ملی نه‌تنها از برنامه‌ای که بتواند به هنر هفتم و حاشیه‌ه متن آن در ایران بپردازد، محروم بودند حتی امکان بخش فیلم‌هایشان را

هم از شبکه‌های مختلف از دست داده بودند. جذابیت سینما و ستاره‌هایش برای مردم پتانسیل خوبی برای جذب مخاطب بود، اما رویکرد دست‌اندکاران این برنامه به شیوه اجرا و استفاده از یک منتقد با نوع تفکر خاص و سلیقه باعث شد تا علما این برنامه در ماه‌های اول پخش‌اش نتواند از این پتانسیل بهره برده مساله‌ای که از روز اول بزرگ‌ترین چالش جیرانی و تیم سازنده برنامه بود و هنوز هم یکی از مشکلاتی است که این برنامه دارد و بارها شده که جیرانی روی آنتن توضیح دهد که رویکردش در این برنامه با سایر برنامه‌ها متفاوت است و دوست ندارد دنبال بحث‌های جنجالی برود. پرهیز از جنجال اما همیشگی نبود، اما با آغاز سال دوم ساخت برنامه هفت مشکلات اصلی این برنامه به‌خصوص در مواجهه با هنرمندان و البته مدیریت دولتی سینما آزار داد. **از نقد صریح تا تخریب چهره‌های شناخته‌شده سینما**
پخش مساحبه با «فریما فرجامی» بازیگر سینما حاشیه‌ای جدی برای این برنامه به وجود آورد. فرجامی که سال‌هاست به دلیل ابتلا به بیماری و مسایل دیگر از عرصه سینما دور است در گفت‌وگویی کوتاه که در یکی از برنامه‌های هفت پخش شد از وضعیت سینما انتقاد کرد و در این میان برخی کارشناس مجری رشته‌های مختلف توانسته بود مقبولیت زیادی پیدا کند و جنبه نقد را دربار حوزه‌های هنر شدت ببخشد. درگیر مشکلات زیادی از جمله از نهاده‌ا و سازمان‌های رسمی و غیررسمی مجبور به ترک این برنامه شدند و در نهایت دو قدم مانده به صبح با مجری‌گری «محمد صالح‌علا» تبدیل به برنامه‌ای خنثی شد که سبک خاص گفتاری مجری آن تنها وجه جاذبکننده آن از مسایل برنامه‌ها نبود و این برنامه تقریباً فراموش‌شد. اما هفت از آفتاب‌نشدن آنتن شبکه سوم سیما برخوردار بود که به دلیل پرداختن به ورزش به‌خصوص فوتبال از شانس جذب مخاطبان بیشتری برخوردار بود. در نهایت هفت در اردیبهشت ۸۹ متولد شد و فریدون جیرانی مجری و تهیه‌کننده برنامه هفت وارد کرد.
اما چند هفته بعد حضور «فریبرز عرب‌نیا» بازیگر سینما و نقد صریح او بر اوضاع و احوال سینما و بازیگری حاشیه‌ای تازه به وجود آورد و واکنش‌های بازیگران سینما را به دنبال داشت. در این میان جنگ لفظی بهداد و عرب‌نیا تا مدت‌ها در رسانه‌ها ادامه داشت. نوع نگاه یک‌سوسگر و تخریبی فراس‌تی درباره سینماگران هموار یکی از مشکلات همراه هفت بود. او در یک برنامه برای نقد فیلم به‌ظاهر سگی سگی» با الفاظی ناشایست به «رضا عطاران» حمله کرد. ادبیاتی که با سکوت جیرانی بستری را مهیا کرد تا فراس‌تی در برنامه‌ای دیگر، این بار به طرز ناشایستی فیلم‌های کم‌دیی را به «باغ‌وحش» تشبیه کند و در نهایت هم از آن اصطلاح زشت در انتقاد از فیلم «جرم» استفاده کند. به طوری که جیرانی مجبور شد «پولاد کیمیایی» را به جای

همه مصایب نقد

فریدون جیرانی مطرح بود. پایان داستان: در هفته‌ای که گذشت، نام‌هایی به عنوان جایگزین فریدون جیرانی در برنامه هفت مطرح شد. اما در نهایت گزینه جایگزین جیرانی در این برنامه، محمود گبرلو روزنامه‌نگار و منتقد بود که در نخستین

بررسی عملکرد برنامه هفت

تلویزیون برای «جیرانی» معامله نکرد



فریدون جیرانی در کنار اعضای برنامه هفت

کیمیایی بزرگ که حاضر نبود در این برنامه شرکت کند، دعوت کند تا از بدرش دفاع کند. البته نقدهای آقای منتقد به جامعه خود جیرانی هم خورد و در زمانی که قصه پریا اکران شده بود، به صلاح‌دید فراس‌تی یک نظرسنجی مطرح شد که در مصابینت جیرانی مجبور به حذف آن شدند.

سینماگران شناخته‌شده و سینمای مستقل غایبان اصلی
دور بودن از جریان فیلمسازی مستقل یکی از مهم‌ترین نقدهایی است که در دو سالی که از ساخت هفت می‌گذرد همواره بر آن وارد بود. این برنامه در طول حیات خود هیچ‌گاه میزان چهره‌های شناخته‌شده‌ای نبود. تنها در یک مورد کیمیایی و دیگری در مورد «داریوش مهرجویی» که دو هفته پیش میهمان این برنامه بود، تیم سازنده بود. **از نقد صریح تا تخریب چهره‌های شناخته‌شده سینما**
حتی در مورد «کیارستمی» زمانی که فیلم «شیرین» اکران محدود شد نیز این اتفاق نیفتاد و به جای او تهیه‌کننده فیلم میهمان هفت شد. جای رخشان بنی‌اعتماد، «ناصر تقوایی» و بسیاری از فیلمسازان شناخته‌شده در این برنامه همیشه خالی بود. هفت حتی در رویداد مهمی مانند جوایز سینمایی فیلم جدایی نادر از سیمین از جمله کسب اسکار بهترین فیلم خارجی سکوت کرد و از سیاست رسمی رسانه ملی در قبال «هضر فرهادی» پیروی کرد. هرچند خود جیرانی در گفت‌وگوهایی جز هفت این جایزه را جایزه تاثیرگذار دانست. هرچند نباید از یاد برد که لوج برنامه‌های هفت جشنواره سی‌ام فجر بود که میهمانان متفاوتی در آن شرکت کردند از جمله «پیمان معادی» – البته به عنوان کارگردان و برای فیلم خودش – و «ترانه علیدوستی» در غیاب «هنای حقیقی» که در این برنامه شرکت نکرد.

جای خالی خانه سینما

اگر جدایی نادر از سیمین را شیرین‌ترین حادثه سینمایی سال ۹۰ بدانیم حتما تعطیلی خانه سینما تلخ‌ترین آنها خواهد بود. موضوعی که تقریباً در برنامه هفت هیچ جایی نداشت و اگر انتقاد صریح «حمدرضا درویش» که به عنوان کارگردانی که فیلمش در یکی از جشنواره‌ها برگزیده شده بود روی آنتن مستقیم تلویزیون نبود شاید هیچ‌گاه هم هفت نامی از جیرانی که وضعیت خانه سینما را به توقیف کشاند نمی‌برد. اما درویش به یکباره صحبت خانه سینما را پیش گرفت و انتقاد صریح خود را به ضرغامی اعلام کرد که فرصت گفت‌وگو را از خانه سینما گرفته است و به جای آن با دعوت از وزیر و معاونت سینمایی در برنامه‌های دیگر، زمینه تخریب سینما را فراهم می‌کند. البته گفت‌وگوی نوروزی جیرانی

گفت‌وگوی خود به خبرآنلاین گفت: «فکر می‌کنم من ژورنالیستی‌تر از جیرانی «هفت» را اجرا خواهیم کرد. به هر حال آقای جیرانی یک کارگردان است و ممکن است در صحبت‌هایش ملاحظاتاتی داشته باشد، اما من به هیچ‌وجه فعالیت سینمایی نداشتم و از ابتدا فقط یک ژورنالیست بودم. در روش‌های اجرای برنامه سعی خواهیم کرد ادب و احترام را رعایت کنم و اگر مخالفی با موضوعات برنامه وجود داشته باشد با احترام حرف‌های طرف مخالف را هم گوش کنم.»

سازمان سینمایی و ششمقدری

البته جیرانی در قبال سازمان سینمایی و شخص جواد شمقدری مواضع مختلفی داشت. موضعی که در یک سال گذشته بیشتر منفی بود و چندین‌بار نیز به جدل‌های لفظی منجر شد. یکی از این جدل‌ها جریان نامه «جواد شمقدری» به «میشل فرمو» رئیس جشنواره کن در حمایت از لارنس فون‌تیه فیلمساز مشهور و حذف او از جشنواره کن بود. نامه‌ای که واکنش خود «فون‌تیه» را نیز به همراه داشت. جیرانی نیز به یکی از برنامه‌های هفت ضمن انتقاد از شمقدری گفت: «نامه شمقدری به مدیر جشنواره کن در اعتراض به اخراج فون‌تیه در شان سینمای ایران نبود. معاونت سینمایی به جای ارسال این نامه باید به فکر تحلیل همه جشنواره فیلم کن باشد.

تغییر رویه در دسرساز

برنامه هفت در آستانه سال ۹۱ با اعلام اینکه قرار است تغییر رویه دهد سال خود را آغاز کرد. تغییر رویه‌ای که خیلی هم به صلاحش شاید این تغییر از زمان جشنواره و به دنبال پیداکردن مخاطبان بیشتر رخ داد. پخش گفت‌وگوی تصویری «حمدمولی فردین» بعد از ۲۰۰ سال که به وضعیت سینما انتقاد داشت یکی از حرکت‌های تازه هفت بود که مورد توجه بسیاری از منتقدان این برنامه قرار گرفت. نقد حاشیه‌های اکران فیلم‌های نوروزی و اتفاقاتی که به حذف دو فیلم از اکران شد و نقد فیلم «سبب و سلما» – که رویکرد دینی داشت- اما در گیشه موفق نبود- در کنار پرداختن به فیلم داریوش مهرجویی – نارنجی پوش- باعث شد تا بیش از بیست رسانه ارزشی با نگارش نامه‌ای سرگشاده به «عزت‌الله ضرغامی» رئیس سازمان صدا و سیما مواضع برنامه «هفت» را نقد کنند و خواستار حضور در برنامه و پاسخگویی شوند. روزنامه کیهان نیز این برنامه را توسعه جریان لیبرالیستی دانست.

البته از سویی دیگر نیز نقد فیلم «فلاذهای طلا» ساخته «پولاقاسم طلایی» و نگاه مثبت فراس‌تی به این فیلم باعث شد تا برخی از رسانه‌های فارسی زبان خارج از ایران جیرانی و فراس‌تی را بازوی امنیتی نظام در حوزه سینما بنامند و رفتار این دو را نقد

کنند. نکاتی که جیرانی در برنامه هفت گذشته هفت با واکنش شدید جیرانی روبرو شد و در تاکید بر اینکه بازوی امنیتی نظام نیست، این بیانیه را نقد کرد.

نقدی که کار دست جیرانی داد و این برنامه را در آستانه دو سالگی به ورطه تعطیلی کشاند.

تعطیلی موقت یا حذف جیرانی مساله این است

بعداز صحبت‌های تند جیرانی در نقد بیانیه ۲۱ رسانه اصولگرا بود که زمزمه‌های تعطیلی هفت و حذف جیرانی تبدیل به موج شد. موجی که روزنامه‌های هفته‌گذاشته را با خود همراه کرد. «شریعت‌پناهی» مدیر گروه اجتماعی شبکه سوم سینما نخستین کسی بود که رفتن جیرانی را تایید کرد و با انتقاد از موضع‌گیری گفت که جیرانی قرار است به دلیل ساخت فیلم تازه‌اش برود و هفت برای خودش جام ملت‌های اروپا تعطیل می‌شود. خبری که توسط خود جیرانی نیز تایید شد. اما شایعات و گمانه‌ها برعکس این بود شایعاتی که گفت‌وگوی فراس‌تی – که با حمایت جیرانی دو سال بیشتر سینماگران را نواخته بود- با انتقاد از موضع‌گیری او گفت که جیرانی می‌رود و خودش می‌ماند. ۳۴ سینماگر نیز با نامه خود نتوانستند جلوی حذف جیرانی را بگیرند. از زمانی که شایعه تعطیلی و حذف جیرانی مطرح شده نامه‌ای هم به عنوان جایگزین‌های او مطرح شده است. از «طاهر طالب‌زاده» تا «محمد خزاعی» دبیر جشنواره فیلم فجر و تهیه‌کننده فلاذهای طلا. هرچند که هر دوی این افراد آن را تکذیب کرده‌اند. برنامه هفت با وجود اعلام تهیه‌کننده درباره تمدید حضور جیرانی به ورطه تعطیلی افتاد و جیرانی به صورت رسمی از آنتن شبکه سوم سیما با این برنامه خداحافظی کرد. هرچند که این برنامه قرار است از هفته‌های بعد با اجرای «محمود گبرلو» به روی آنتن برود.

ایرانی و البته با غلطتی بیشتر راجع میان نوع خاصی از تفکر که اتفاقا ابزار زور را بهترین روش برای چرخش هر امری به سمت توسعه‌هایان می‌داند نبوده است.

سینمای ایران در دوران پس از انقلاب بدون توقف و به صورتی مستمر درگیر مدیریت کردن مخالفت‌هایی بوده که بنای برچیدن آن را داشته‌اند. این اواخر و به لطف! مدیریت این روز‌های سینما همان مخالفان ریشه‌ای معنایی تحت عنوان سینما با تکیه بر نظرات کارشناسی نداشته و برداشت‌های مبتدیانة از معنای سینما سعی در به دست گرفتن افسار سینمای ایران گرفته‌اند و به گمان تاخت و تاز با ابرزاری را دارند که تا پیش از آن چشم دیدنش را نداشتند. غافل از اینکه حکایت اسب‌سواری و حرکت در مسیرهای مال‌رو حکایتی دیگر است و به غایت متفاوت از امری به‌شدت مدرن و وابسته به درک و توان تحلیل زمانه حاضر که نبضش با نبض اجتماع اطرافش می‌زند و چندان واقعی به سلیقه‌ها نداشته که البته در جای خودش می‌تواند مورد احترام واقع شود.

ادامه در صفحه ۱۵

تلویزیون

۱۱

سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱

نگاه منتقد

نقد‌ها را بود آیا که عیاری گیرند؟

جواد طوسی



■ از سال ۱۳۳۷ که شخصی با امضای «خبرنگار سینمایی» در روزنامه کیهان نقدی بر فیلم «ندانی زندا» (حسان کرامول/ ۱۹۳۷ آمریکا با بازی داکلاس فرنکس) نوشت و این مسیر با نوشته‌های افرادی چون «طغرل افشار» و «مهمبارک» (فرخ غفاری) دنبال شد تا این مقطع که شاهد نوعی تکثرگرایی بی‌ریشه و فاقد تشخیص در حوزه «نقد فیلم» هستیم، همچنان با یک‌سری واقعیات تلخ و سوءتفاهمات تاریخی مواجهیم. تشخیص و اعتبار فرهنگی «منتقد» در یک فضای خودجوش و پربرونق فرهنگی رقم می‌خورد. منتقد باید دیدگاه و تربیون داشته باشد و جدا از تجربه‌های تئوریک فردی که از طریق مطالعه و فیلم‌دیدن کسب می‌کند، باید در مناسبات و ارتباطات فرهنگی/اجتماعی حضور مداوم داشته باشد تا شخصیتی جامع‌الاطراف پیدا کند و از نگاهی عمیق و جامعه‌شناسانه برخوردار شود. استقلال، جسارت و صراحت لِهجه منتقد، هیچ منافاتی با برخورد‌های متعارف او با فیلمسازان و دیگر اهالی سینما ندارد. برقراری چنین دیالوگی مستلزم افزایش روحیه اجتماعی و گسترش باتوق‌های فرهنگی است. یک رویداد هنری، یک گروه‌های و بزرگداشت، یک نمایش خصوصی و… می‌تواند پهنه خوبی برای حضور آدم‌های با دغدغه‌ها و علایق مشترک در زیر یک سقف باشد. رشد و تکامل و بالندگی و هویت‌مندی هرچه بیشتر «منتقد» در شرایطی تحقق می‌یابد که فرصت شناسایی یکدیگر را داشته باشند و ارتباط با یک اثر هنری را در جمع نیز تجربه کنند. جامعه تک‌اوابی و محدودشده به «مونیولوگ» و «بیگانه» با «دیالوگ»، ره به جایی نمی‌برد. گفتمان نقد در یک رفتارشناسی عمومی و اجتماعی، موضوعیت پیدا می‌کند یک نفاوت باز فضای نقدنویسی گذشته با حال در این بود که آن موقع منتقدی که به صورت حرفه‌ای در یک روزنامه یا مجله کار می‌کرد، تربیون (صنعه یا استون) ثابت داشت و در فتنه داشته باشد و یک منتقد ثابت یا حتی می‌کرد و به‌درستی محک می‌خورد. اما اکنون چنین فضایی در تعداد قلیل‌توجهی از نشریات حاکم نیست و بیشتر و نوعی پراکندگی و افتشاش و حضور هر از گاه آدم‌های مختلف مواجه هستیم. مثلا شما در چند روزنامه صبح می‌بینید که صفحه «نقد فیلم» برای حتی یک روز در فتنه داشته باشد و یک منتقد ثابت یا حتی منتقد چرخشی مسوولیت این‌صحه را عهده‌دار باشند؟ در صورتی که در اغلب روزنامه‌های قبل از انقلاب (لاقل برای دوره‌هایی) این فضا و ضابطه‌مندی وجود داشت. اگر در شرایط کنونی آثار قلیل نقد به تعداد کافی وجود ندارد، می‌توان این رویه را به یک زمان‌بندی منطقی اعمال کرد.

نکته مهم دیگر این است که اساسا دبیر سرویس فرهنگی/هنری یک نشریه باید این کاره باشد و خودش به این مقوله اهمیت بدهد. با کلکسیون و جابه‌جایی زود به زود آدم‌ها، نمی‌توان در فضای فرهنگی آن نشریه حساسی جدا برای حوزه نقد باز کرد. در کنار احترام‌آفیل شدن برای سلاقی و سیاست‌های هیات تحریریه یک نشریه، معتقدم که در این دوران فترت باید زمینه‌هم‌نشینی و هم‌کلاسی و آشتی میان نسل‌ها را فراهم کرد و بستر نقد نیز از این قاعده مستثنا نیست. پس با جوانگرایی یا قدیمی‌بازی افراطی موافق نیستم. چه بسا این برخورد نزدیک و تقابیل فرهنگی بتواند انگیزه بیشتری را در طرفین برای رسیدن به یک رقابت سالم و سازنده فراهم سازد. توجه داشته باشیم که هرچقدر در رسانه‌ها و دیگر وسایل ارتباط جمعی فضای نقدپذیری رونق بیشتری پیدا کند، جو اعتماد و ثبات فکری و سیاسی و اجتماعی افزایش خواهد یافت. متأسفانه در سال‌های اخیر شاهدیم که اغلب برنامه‌های سینمایی سیما که به نقد و بررسی آثار به نمایش آمده می‌پرداختند، متوقف شده‌اند. گویی اراده‌ای این ضرورت را احساس کرده که تا اطلاع ثانوی این گونه برنامه‌ها تولید نشود و متأسفانه برخورد‌های اخیر نسبت به برنامه سینمایی «هفت» (با همه نقاط قوت و ضعفش) و حرف و حدیث‌های مطرح شده در مورد مسیر بعدی اجرایی‌اش نشان می‌دهد که سینما تحمل ما تا کجاست.

آیتم خبری

نامه انجمن منتقدان

در حمایت از برنامه هفت

■ «تغییرات شتاب‌زده و غیر کارشناسی در تنه‌ا برنامه سینمایی ایران برای جامعه سینمایی کشور خبر خوشایندی نیست. انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران تگرانی خود را نسبت به حفظ کیفیت و اعتبار این برنامه اعلام می‌دارد و معتقد است که تضعیف تنها تربیون جدی سینما در رسانه ملی فقط به سود کسانی است که از رواج گفتمان فرهنگی سینما در گستره عام در هراسند. انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران با وجود تمام انتقاداتی که به «هفت» وارد است و به‌رغم لطماتی که این برنامه به چهره منتقدان در جامعه وارد کرده است، حمایت خود را از ادامه برنامه «هفت» با حضور آقای فریدون جیرانی اعلام می‌دارد و تداوم حضور او را موجب اعتبار این برنامه می‌داند. بی‌شک ویژگی‌های بارز ژورنالیستی جیرانی، سوابق حرفه‌ای او به همراه اطلاعات جامعش از پیشینه سینما و شناخت کافی در موضوعات روز سینمای ایران از جمله نکات مثبت برنامه به حساب می‌آید گرچه مسلمان‌ایرانی‌های هم به او وارد است.